

• دریافت ۹۶/۸/۱۹

• تأیید ۹۶/۱۲/۴

## تأثیرپذیری مضمونی رائیه ابن عرندس از قرآن با تکیه بر نظریه بینامتنی

علی شیخ الزئیس \*

محمد ابراهیم خلیفه شوشتی \*\*

### چکیده

تناص یا بینامتنی یکی از اصطلاحات مطرح و رایج در حوزه پژوهش‌ها و مطالعات زبان و ادبیات است. برطبق این نظریه، هیچ متنی مستقل نیست و هر متن ترکیبی است از متون گوناگون که آگاهانه یا ناخودآگاه از سرچشمه‌های ادبی و فکری یکدیگر بهره جسته‌اند. در این میان، قرآن کریم ارزشمندترین و تأثیرگذارترین اثری است که شاعران و ادیبان در آثار خود از آن استفاده کرده‌اند. ابن عرندس حلی از شاعران و ادیبان قرن نهم هجری است. وی دل‌باخته و شیفته کلام‌الله و خاندان وحی بوده و اشعارش مشحون است از آیات و مضامین قرآنی و مفاهیم والای آن، به‌خصوص قصیده رائیه معروفش که در رثای حضرت ابا عبدالله‌الحسین (علیه السلام) است. این مقاله پژوهشی، بینامتنی مضمونی در رائیه شاعر یادشده با قرآن کریم است که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است. بنابراین پس از ارائه مباحث نظری، عملیات بینامتنی این قصیده با کلام وحی تحلیل و بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که این تأثیرپذیری بیشتر به‌صورت نفی متوازی (امتصاص) و در مواردی هم نفی کلی (حوار) بوده است.

**واژگان کلیدی:** قرآن، ادبیات متعهد، قصیده رائیه، بینامتنی مضمونی، ابن عرندس.

\* دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران @gmail.com

\*\*استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) M-khalifeh@sbu.ac.ir

۱۴۰۱

## مقدمه

بینامتنی دینی یکی از گرایش‌های جدید نقدی است که به بررسی ارتباط و تعامل بین متون دینی می‌پردازد. این نظریه، از یک طرف، بیانگر عدم استقلال متون و از طرف دیگر، نشان‌دهنده تأثیرگذاری متنی دینی بر متن دیگر و در نتیجه غنای آن متن است. شعر طغی، به‌عنوان بخش مهمی از ادبیات متعهد، جایگاه مناسبی برای حضور آیات و طرح مضامین و مفاهیم بلند قرآنی و همچنین احادیث و روایات شده است و از آنجا که سرشار از عواطف و احساسات انسانی و دینی است، تأثیرگذاری و ماندگاری آن را فزونی می‌بخشد.

قرآن کریم، به‌عنوان اقیانوسی بی‌منتهای از معارف الهی و مکارم اخلاقی و قصص انبیا، در طول تاریخ همواره الهام‌بخش شاعران و ادیبان در آفرینش و خلق شاهکارهای ادبی بوده است؛ چراکه قرآن از چنان قابلیت برخوردار است که اهالی شعر و ادب می‌توانند از این منبع فیاض برای بیان اصول اعتقادی و مذهبی، بنیان‌های فکری و منطقی و عواطف و احساسات سرشار خود بهره‌گیرند و باتوجه‌به آگاهی و برخورداری مخاطبان از مضامین و مفاهیم دینی، بر تأثیر کلام خویش بیفزایند. کمتر شاعری را می‌توان یافت که در اشعارش تلمیحی به آیات قرآنی نداشته و یا اقتصاص<sup>۱</sup>، اقتباس و تضمینی از آن‌ها نگرفته و آیات و مضامین قرآن را زینت‌بخش اشعارش نکرده باشد.

در این عرصه، شاعران متعهد شیعه بیشترین واژگان و مضامین و مفاهیم قرآنی را در قالب اشعار خویش با عالی‌ترین و زیباترین صنایع لفظی و معنوی بیان کرده‌اند و در عین بی‌مهری‌ای که تاریخ ادب‌نویسان به آن‌ها روا داشته‌اند، به خلق آثار بی‌نظیر و بی‌بدیل در عرصه ادبیات دینی پرداخته‌اند.

«شاعران متعهد شیعی در اشعارشان از الفاظ و اصطلاحات قرآنی و نیز احادیث، نهایت بهره‌را برده‌اند و اصولاً شعر متعهد شیعه با قرآن و حدیث آمیخته است»

(مختاری، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

از جمله شاعران و ادیبان برجسته شیعه ابن عرندس حلی است که با رائیه معروفش، ضمن بیان وقایع جانسوز کربلا، به بیان مناقب و مقام والای اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته و در قالب ادبیاتی مستحکم و وزین و سرشار از صنایع لفظی و معنوی و مسحورکننده، آسمان دیدگان هر انسانی را ابری می‌کند و به همراه غرش رعد و برق چهره، باران قطرات اشکش را فرو می‌بارد.

این شاعر متعهد شیعی، در اشعار خود، از آیات و مفاهیم و مضامین والای قرآن به شدت متأثر بوده است. موضوعی که در ادبیات امروزی، از آن به بینامتنیت یاد می‌شود و این مهم، نیاز به پژوهش و تحقیق و بررسی دارد. اینکه ابن عرندس از چه نوع تناس و بینامتنی در رائیه خود استفاده کرده و از چه شیوه‌هایی بهره گرفته و از آیات قرآن به چه میزان تأثیر پذیرفته، به فهم و درک بهتر این ابیات و پی بردن به لایه‌های درونی قصیده کمک شایانی می‌کند و اهداف و مقاصد شاعر را از سرودن این رائیه روشن‌تر می‌سازد؛ موضوعی که، در این مقاله، بررسی و تبیین شده است. براساس آنچه بیان شد، در پژوهش حاضر با تحلیل رائیه ابن عرندس، به سؤالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- شیوه‌های بینامتنی و اثرپذیری ابن عرندس از قرآن کریم در حوزه مفاهیم و مضامین چگونه است؟
- ۲- ابن عرندس، در رائیه خود، از آیات و آموزه‌های قرآنی به چه میزان بهره جسته است؟

۳- انگیزه‌های این شاعر از تناس و بینامتنی قرآنی در رائیه‌اش چیست؟

هدف از نگارش این مقاله تبیین چگونگی تأثیرپذیری مضمونی ابن عرندس از قرآن کریم و استفاده از آن در تعظیم مقام والای اهل بیت (علیهم السلام) و بیان وقایع عاشورا در رائیه معروفش است و بیان اینکه وی ابیات خود را با الفاظ و مضامین و

مفاهیم قرآنی و با انواع تناسبات مزین کرده است. بنابراین در این مقاله تلاش شده تا الهام‌پذیری شاعر از مفاهیم و مضامین آیات قرآن و به‌کارگیری آن‌ها بررسی شود و بینامتنی مضمونی (مضمون و مفهوم آیات قرآن) این قصیده با کلام وحی بررسی و تحلیل شود.

### معرفی ابن عرندس و راثیه او

شیخ صالح بن عبدالوهاب بن عرندس حلّی مشهور به ابن عرندس<sup>۲</sup> (م. ۸۴۰ هـ. ق.) از بزرگان، دانشمندان، شاعران و اعلام دنیای تشیع بوده است. از وی تألیفات بسیاری در فقه و اصول برجای مانده که می‌توان به کتاب کشف‌اللاکلی و کتاب‌های خطّی فراوان موجود در کتابخانه‌های حلّه اشاره کرد (یعقوبی، ۱۹۵۱/۱: ۱۴۴). وی ادیبی اریب و توانا و شاعری خوش‌قریحه و مسلط بر صنایع و فنون ادبی است. قوّت و استحکام و متانت در سخن و کلام او به‌خوبی ظاهر و آشکار است و شعر و نظم او حکایت از تزلّج و مهارتش در ادبیات عرب و احاطه‌اش به لغت و صرف‌ونحو و علوم بلاغی دارد (الامینی، ۱۳۸۳/۱۴: ۷؛ صدر، ۱۳۷۲/۲: ۳۱۰).

عالمان و دانشمندان بزرگی همچون علامه شیخ عبدالحسین امینی در الغدیر، علامه سید محسن امین در اعیان‌الشیعه، علامه سماوی در الطلیعه، یعقوبی در البابلیات و شبر در أدب‌الطف و طریحی در المنتخب وی را به علم و فضل و تقوا و دینداری و تسلطش بر علوم گوناگون بسیار ستوده‌اند و به‌جهت دانش و تدین و حبّ وافرش به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مدح کرده‌اند و برخی سروده‌های این شاعر گرانمایه را متذکر شده‌اند؛ از جمله قصیده راثیه معروف و شهیر او را با مطلع:

طَوَايَا نِظَامِي فِي الرِّمَانِ لَهَا نَشْرٌ      يُعْطَرُهَا مِنْ طَيْبِ دِكْرَاكُمُ نَشْرٌ  
(الامینی، ۱۳۸۳/۷: ۱۳-۲۳؛ الامین، ۱۴۰۳/۷: ۳۷۵-۳۷۶؛ یعقوبی، ۱۹۵۱/۱: ۱۴۴-۱۴۸؛ شبر، ۱۴۲۲/۴: ۲۸۴-۲۹۳؛ الطریحی، ۱۴۲۶: ۳۴۹-۳۴۵)  
در ۱۰۳ بیت که مملوّ است از محسنات لفظی و معنوی و صنایع ادبی و بلاغی و

سرشار از عواطف و احساسات، با پشتوانه اعتقادی و آیات و مضامین و مفاهیم قرآنی که همه را درجهت تعظیم مقام والای اهل بیت (علیهم السلام) و بیان حوادث و وقایع جگرسوز شهدای طفّ به خدمت گرفته و در طلیعه آنان وجود مقدس مولی الکونین و شفیع الثقلین حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است.

### پیشینه تحقیق

در کتاب‌ها و منابع اندکی، آن هم به صورتی بسیار اجمالی و مختصر، از این شاعر متعهد شیعی و راثیه او سخن به میان آمده است. از کتاب‌های متقدمین، باید به المنتخب و الغدير با ذکر تمامی ۱۰۳ بیت و البابلیات و اعیان الشیعه و ادب الطّف، هرکدام با ذکر منتخبی از ابیات این راثیه شهیر (۵۱ بیت)، اشاره کرد. در تمامی کتاب‌های نام‌برده، فقط ابیات، آن هم بدون اعراب‌گذاری و بدون ترجمه و تحلیل و شرحی بر این قصیده، ذکر شده است.

سرآمد کتاب‌های متأخری که به این قصیده پرداخته، فیض روح القدس استاد مهدی امین فروغی است. وی تمامی ابیات را البته بدون اعراب و با ترجمه‌ای روان، اما در برخی ابیات قابل تأمل و نقد، آورده است که پرداختن به آن خود مجال و مقاله‌ای مجزا می‌طلبد. (امین فروغی، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۶۸) همچنین آقایان محمدحسین خورشیدی و محمد عظیمی مترجمان کتاب‌های مقتل امام حسین (علیه السلام) در امالی شیخ صدوق و دمه العینین فی رثاء الحسین علیه السلام و آقای علی‌رضا نعمتی در ماهنامه خورشید مکه این ابیات را بدون اعراب و شرح و تحلیل آورده‌اند (صدوق، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۶۵؛ ابن عربندس، ۱۳۹۱: ۱-۵۷؛ نعمتی، ۱۳۸۱: ۴۳ و ۴۴). در فضای مجازی هم، در وب‌گاه‌ها و وبلاگ‌های بسیاری، به ابیاتی از این راثیه اشاره شده است.

پژوهش‌ها و مقالات علمی‌ای که تاکنون در خصوص این قصیده انجام گرفته

عبارتند از: «تحلیل سیمائی لراثیه ابن عرندس و مقارنتها مع اشعار معاصرئ» (زارع، ۱۳۹۱: ۵-۲۶) که نویسندگان مقاله به تحلیل نشانه‌شناسی و صورت‌های معناگرایانه ابیات این قصیده پرداخته‌اند؛ و «بررسی فضای موسیقایی قصیده ابن عرندس در رثای امام حسین (علیه السلام)» (نیازی، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۲۱۸) که در این مقاله نویسندگان کوشیده‌اند تا عوامل ایجاد زیبایی فضای موسیقایی قصیده را در چهار رکن موسیقی شعر: درونی، بیرونی، کناری و معنوی بررسی و تحلیل کنند و مشخص کنند که شاعر چگونه با ایجاد پیوند میان موسیقی و موضوع، به هدف اصلی خود نائل آمده که همان برانگیختن احساسات و غیرت دینی مخاطبان است؛ و «اشعار ابن عرندس از منظر تاریخ» ([www.mjgom.ir](http://www.mjgom.ir)) که این مقاله فقط به ذکر ۲۴ بیت به همراه ترکیب و ترجمه ابیات، آن‌هم در فضای مجازی، اقدام کرده است. بنابراین تنها مقاله‌های علمی-پژوهشی در این زمینه، مقاله‌های چاپ‌شده مجلات «اللغة العربیة و آدابها» در دانشگاه تهران و «دوفصلنامه ادبیات شیعه» در دانشگاه مدنی آذربایجان است و همان‌گونه که اشاره شد، این مقالات هم از منظری دیگر به این شاهکار ادبی پرداخته‌اند. در نتیجه موضوع این پژوهش، با این رویکرد و ویژگی، تا امروز سابقه نداشته و در نوع خود تازه و بدیع است و تاکنون بینامتنی قرآنی در راثیه ابن شاعر اهل بیت (علیهم السلام) به رشته تحریر درنیامده است.

### ارکان بینامتنی

یکی از موضوعات مهم و قابل تأمل در نقد ادبی درهم‌تنیدگی متون است که از آن به بینامتنی یا تناس تعبير می‌شود. اصطلاح بینامتنی در قرن بیستم به ادبیات عرب راه پیدا کرد و در حال حاضر هم مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران حوزه نقد ادبی است و آن را امری اجتناب‌ناپذیر برای هر متن عربی می‌دانند. اگرچه مترجمان و ناقدان معاصر عرب هنوز بر ترجمه و معادلی یک‌سان برای اصطلاح Intertextuality

توافق نکرده‌اند و برخی آن را «التَّنَاص» و «التَّنَاصِيَّة» و گروهی «النَّصُوصِيَّة» و هم‌چنین عده‌ای «تداخل النَّصوص» نامیده‌اند، با وجود همه این آرای متعدد، اصطلاح «تناص» بیش از دیگر اصطلاحات رواج یافته است (عزام، ۲۰۰۱: ۴۱؛ مختاری، ۱۳۸۹: ۱۹۹). این اصطلاح نقدی مترادف «التَّفَاعُل النَّصِي» و «المتعالیات النَّصِيَّة» و «Transtextuality» است (رسولی، ۱۳۹۱: ۳۰).

هر بینامتنی دارای سه رکن اساسی است: متن حاضر، متون غایب و عملیات بینامتنی.

**الف) متن حاضر:** یا «متن موجود» یا «متن اصلی» یا «النَّص الحال»<sup>۵</sup>: همان متنی است که پیش‌روی خواننده است و در تعامل با متون دیگر قرار گرفته است.

**ب) متون غائب:** یا «متون پنهان» یا «النَّص المزاح»<sup>۶</sup>: متونی که با متن کنونی تعامل دارد و مؤلف و شاعر، در اثر خود، آثار و نشانه‌هایی از آن را نمایان می‌کند. متون پنهان، متن حاضر را روشن می‌کند و خواننده از طریق آن به فهم بهتر متن حاضر دست می‌یابد؛ بنابراین متون پنهان به‌مثابه کلیدهایی است که با آن درهای بسته متن جدید باز می‌شود.

**ج) عملیات بینامتنی:** انتقال لفظ یا معنا از متون غایب به متن حاضر، عملیات بینامتنی نام دارد. هر متنی، متون مختلفی را در خود جای داده و در شکل جدیدی آن‌ها را بازآفرینی کرده است، به‌گونه‌ای که از این متون، چیزی جز اشاراتی باقی نمانده که خواننده را به متن پنهان راهنمایی می‌کند. تشخیص این اشارات، یعنی بررسی متن اصلی با توجه به متن غایب و ردیابی روابط موجود بین آن‌ها، با عملیات بینامتنی انجام می‌گیرد.

### انواع نظریه بینامتنی

نظریه بینامتنی به انواع گوناگونی تقسیم شده و این تقسیم‌بندی‌ها، براساس چگونگی

و شکل کاربرد آن در متون، با هم متفاوت است. در این نوشتار از نظریه ژولیا کریستوا بهره برده شده، لذا به بیان این نوع تقسیم‌بندی می‌پردازیم:

**۱. نفی کلی یا حوار:** این نوع از روابط، بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا مؤلف در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد (وعدالله، ۲۰۰۵: ۳۷). به‌طور خلاصه می‌توان گفت، در نفی کلی یا حوار معنای متن غایب با معنای متن حاضر متفاوت است.

**۲. نفی متوازی یا امتصاص:** در نفی متوازی یا امتصاص، متن پنهان پذیرفته شده و به‌صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است (موسی، ۲۰۰۰: ۵۵). در این شکل از روابط بینامتنی، معنای متن غایب در متن حاضر تغییر اساسی نمی‌کند، بلکه با توجه به مقتضای متن حاضر و معنی آن، همان نقشی را که در متن غایب ایفا می‌کند در متن حاضر نیز عهده‌دار است و می‌تواند دارای معنای بیشتر یا همراه با تغییر و تنوعی باشد که به نوآوری ادیب و شاعر بستگی دارد.

**۳. نفی جزئی یا اجترار:** در این نوع از روابط بینامتنی، نویسنده جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد (عزام، ۲۰۰۵: ۱۱۶). از این رو متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک جمله، یک عبارت یا یک کلمه باشد و معمولاً، از نظر معنای الفاظ و عبارات، موافق متن غایب است.

### بینامتنی مضمونی (مضمون و مفهوم آیات قرآن)

در این نوع بینامتنی، شاعر با الهام گرفتن از آیه قرآن، پس از دریافت مضمون آن، مفهوم آیه را با الفاظ و تعابیر خود بیان می‌کند، به گونه‌ای که خواننده حضور لفظی



محسوس یا ذکری صریح را از قرآن مشاهده نمی‌کند. ناقدان و پژوهشگران معاصر این نوع تناص را «تناص امتصاصی» نامیده‌اند (سیفی، ۱۳۹۰: ۷۶). از ابیات این قصیده چنین برمی‌آید که شاعر با قرآن کریم و متون مذهبی انس و الفتی دیرینه و عمیق داشته و نیز به مقام والای اهل بیت (علیهم السلام)، به‌خصوص حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، معرفت و ارادتی خاص و ویژه؛ بدین جهت وی در اکثر ابیات تحت تأثیر آیات و مفاهیم و مضامین قرآنی قرار گرفته است. فراوانی و تعدد تعامل اشعار ابن‌عرندس با قرآن کریم، از ویژگی‌های برجسته و حائز اهمیت این شاعر متعهد شیعی به‌شمار می‌رود که نشان می‌دهد وی از آیات قرآنی عامدانه و آگاهانه استفاده کرده تا بتواند مقصود خود را بهتر و دقیق‌تر، مستدل‌تر و مستحکم‌تر، عمیق‌تر و مؤثرتر بیان کند و بر جان و روح مخاطبان بنشاند. در تبیین روابط بینامتنی قرآن با این قصیده آیات قرآن، متن غایب و ابیات این راثیه، متن حاضر است و عملیات بینامتنی یا تناص تعامل این دو متن را روشن و واضح می‌کند.

در این قسمت ابیاتی را که از این بینامتنیت بهره برده‌اند، یادآور می‌شویم:

## ۱. بیت ۱۹

### ۱-۱. متن حاضر (راثیه):

إمام الهدى سبط النبوة والِد الـ ... أُمَّةِ رَبِّ النَّهْيِ مَوْلَى لُهُ الْأَمْرُ  
 «[امام حسین (علیه السلام)] همان پیشوای هدایت و نواده نبوت و پدر پیشوایان و امامان (علیهم السلام) و صاحب امر و نهی در امر دین»

### ۲-۱. متن غایب (قرآن کریم):

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... ﴿نساء، ۵۹﴾.  
 «ای مؤمنان از خداوند و رسول و اولی الامر، که از خودتان هستند، اطاعت و

پیروی کنید...».

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ  
زَكْعُونَ\* وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (مائده: ۵۵  
و ۵۶).

«جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و آنان که ایمان آورده‌اند، همان  
ایمان‌آوردگانی که اقامه نماز و ادای زکات می‌کنند درحالی که در رکوع نمازند\* و  
هرکس که ولی و فرمان‌روای او خدا و رسول و اهل ایمانند [پیرواست] که تنها لشکر  
خدا [در دوعالم] فاتح و غالب خواهد بود.»

### ۳-۱. عملیات بینامتنی:

آیه ۵۹ سوره نساء و آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده درباره وجوب اطاعت از خدا، پیامبر  
(صلی الله علیه وآله وسلم) و اولی الامر و همچنین معرفی اولیاء امر الهی است. ابن عرندس  
در این بیت دقیقاً و به صورت کاملاً عالمانه و عامدانه به این آیات، که به آیه اطاعت  
(نساء: ۵۹) و آیه ولایت (مائده: ۵۵) شهرت دارند، اشاره می‌کند. مفسران شیعه در  
این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از «اولی الامر» در آیه شریفه اطاعت، ائمه  
اطهارند (صدوق، ۱/۱۳۸۰: ۵۱۷، ح ۲۵؛ کلینی، ۲/۱۳۷۵: ۸۷، ح ۱۶ و ۴۱۸، ح ۳؛  
بحرانی، ۱۳۷۸: ۲۲۳؛ بروجردی، ۲/۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۱۱؛ انصاری، ۱۳۹۴: ۱۱۴).  
طبق حدیث جابر، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در تفسیر و تبیین این واژه تکتک  
ائمه اطهار (علیهم السلام) را نام برده‌اند (صدوق، ۱/۱۳۸۰: ۴۸۴-۴۸۷). و اما  
در خصوص آیه ولایت: این آیه، به اتفاق اکثر مفسران و اهل حدیث، در خصوص  
مولایمان امیرالمومنین علی (علیه السلام) نازل شده است. گرچه داستان شأن نزول این  
آیه در نقل‌های گوناگون با عبارات و الفاظ متفاوت آمده، ولی اصل ماجرا در همگی  
مشترک است (ثعلبی، ۴/۱۴۲۲: ۷۸-۷۹؛ سیوطی، ۲/۱۳۶۵: ۲۹۳؛ متقی هندی،

بی تا/ ۶: ۳۱۹ و ۷: ۳۰۵). با مراجعه به مدارک و کتب معتبر اهل تسنن، درمی‌یابیم که بسیاری از بزرگان علمای عامه هم، در کتب حدیث و تفسیر خود، شأن نزول این آیه را امیرالمومنین علی (علیه السلام) دانسته‌اند؛ از آن جمله‌اند: واحدی در اسباب النزول، زمخشری در الکشاف، فخرالدین رازی در التفسیر الکبیر و ابوحیان اندلسی در البحرالمحیط و سیوطی در لباب النقول (رک: خلیفه شوشتری، ۱۳۷۹، ۴۵۷-۴۵۹). بنا بر آنچه بیان شد، متن پنهان در متن حاضر به‌طور کامل پذیرفته شده و به‌صورتی به‌کاررفته که نه‌تنها جوهره آن تغییر نکرده، بلکه تمام هدف و منظور شاعر بیان همین ویژگی و صفت انحصاری ممدوح و ممدوحان خود بوده است. وی به‌خوبی از مضمون آیات موردنظر، به‌منظور تبیین شأن و عظمت مقام والای اطاعت و ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام)، بهره برده است. بنابراین تناص مذکور از نوع نفی متوازی یا امتصاص است و شاعر مضمون و مفهوم آیات اطاعت و ولایت را آگاهانه و به‌زیبایی در شعر خود شده است.

## ۲. بیت ۲۱

### ۲-۱. متن حاضر (راثیه):

امامُ بَکَّتَهُ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ وَالسَّمَاءُ  
و وَحَشُ الْفَلَا وَالطَّيْرُ وَالْبَرُّ وَالْبَحْرُ  
«پیشوا و امامی که آدمیان، پریان و آسمان [آسمانیان]، درندگان بیابان و پرندگان و خشکی و دریا بر او گریستند.»

### ۲-۲. متن غایب (قرآن کریم):

﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾ (دُخَان: ۲۹)

«گریه نکرد بر آن‌ها آسمان و زمین و مهلت داده نشدند»

**۳-۲. عملیات بینامتنی:**

آیه ۲۹ سوره دخان درباره فرعون و فرعونیان این چنین می فرماید: که آسمان و زمین بر آن ها گریه نکرد. به گفته علمای اصول، مفهوم مخالف آیه این است که آسمان و زمین برای برخی می گرید که مصداق بارز آن ها - بنابر کلام معصوم - وجود مقدس امام حسین (علیه السلام) است.

در زیارت نامه ای که امام صادق (علیه السلام) به عده ای از اصحاب خود تعلیم فرمودند تا در حرم ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بخوانند، آمده است: «أشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظْلَلَةُ الْعَرْشِ وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى» (ابن قولویه، ۱۳۷۷: باب ۷۹، زیارت دوم؛ قمی، ۱۳۷۳: زیارت مطلقه امام حسین (ع)، زیارت اول، ۶۹۴).

«گواهی می دهم خون تو ساکن نشد در بهشت جاویدان و سایبان های عرش - انوار مقدسه و ارواح علویه - برای آن خون لرزید و همه خلایق بر آن گریستند و هفت آسمان و هفت زمین و آنچه در آن ها و در میان آن هاست و هرکس در بهشت و جهنم حرکت می کند و می گردد و از خلق خداوند ما، آنکه دیده می شود و آنکه دیده نمی شود، همگی گریستند.»

بدین ترتیب، رابطه این بیت با آیه مورد اشاره از نوع نفی کلی یا حواری است که در آن، مضمون متن حاضر با متن غایب مخالف است و این بالاترین نوع بینامتنیت در میان روابط بینامتنی محسوب می شود که شاعر در این بیت استفاده کرده است.

**۳. بیت ۵۷****۳-۱. متن حاضر (راثیه):**

فَوَيْلٌ لِيَزِيدَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ إِذَا أُقْبِلَتْ فِي الْحَشْرِ فَاطِمَةُ الطُّهْرُ

«پس ای وای بر یزید بن معاویه [لعنة الله علیهما] از عذاب جهنم، آن‌گاه که صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) به محشر و روز قیامت روی آورد و وارد شود.»

### ۲-۳. متن غایب (قرآن کریم):

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾  
(ابراهیم: ۴۲)

«هرگز خداوند را از آنچه ستمگران می‌کنند غافل میندازد [کیفر] آن‌ها را تا روزی که چشم‌ها در آن روز [از حیرت] خیره خواهند ماند، به تأخیر می‌افکند.»

﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ \* فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ (طور: ۵۹ و ۶۰)

«ظالمان و ستمگران همچون یاران [گذشته] خویش سهمی از عذاب دارند، پس به شتاب [آن را] از من نخواهند \* وای بر انکارورزان و کافران از روز موعودشان.»

### ۳-۳. عملیات بینامتنی:

ابن عرندس در این بیت از عذاب سهمگین جهنم، که قاتلان امام حسین (علیه السلام) را در روز قیامت دربرمی‌گیرد، سخن به میان می‌آورد و از هنگامه ورود حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) و دادخواهی وجود مقدس ایشان در صحنه محشر و روز قیامت؛ خداوند، یزید (علیه اللعنه) را به آتش خشم و عذابش می‌سوزاند. همان‌گونه که از وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) نقل است، ایشان فرمودند: روز قیامت به فاطمه [سلام الله علیها] گفته می‌شود داخل بهشت شو؛ فاطمه [سلام الله علیها] می‌گوید: داخل نمی‌شوم تا که بدانم پس از من با فرزندم چه کردند. به فاطمه [سلام الله علیها] گفته می‌شود به اهل محشر نگاه کن؛ حضرت نگاه می‌کند و حسین [علیه السلام] را درحالی می‌بیند که سر در بدن ندارد؛ ناله‌ای سر می‌دهد که من و فرشتگان را به گریه و شیون وا می‌دارد و در این هنگام خداوند خشم می‌کند و قاتلان امام حسین [علیه السلام] را به

آتش عذابش می‌سوزاند (صدوق، ۱۳۸۲: ۴۹۶).

شاعر، متن غایب - آیات ۴۲ سوره ابراهیم؛ ۵۹ و ۶۰ سوره طور- را در همان مضمون به کار برده و مفهوم آیات قرآنی فوق را به طور کامل در متن خود آورده و نوعی تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار کرده و از آن در تأیید و تحکیم سخن خویش بهره گرفته است. چنان‌که پیداست، این نوع بینامتنیت از نوع نفی متوازی یا امتصاص است.

#### ۴. بیت ۶۲

##### ۴-۱. متن حاضر (راثیه):

فَيُؤَخِّدُ مِنْهُ بِالْقِصَاصِ فَيَحْرِمُ الدَّ...  
... عِيَمَ وَيُخْلِى فِي الْجَحِيمِ لَهُ قَصْرٌ  
«پس او [یزید بن معاویه لعنة الله عليهما] به سزای عمل و کیفر گناهش رسانده می‌شود و بی‌بهره و بی‌نصیب از نعمت‌ها می‌گردد، در دوزخ برای او جایگاهی حاضر می‌شود.»

##### ۴-۲. متن غایب (قرآن کریم):

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ (مائده: ۱۰ و ۸۶)  
«و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، آنان اهل دوزخند.»  
﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ (حدید: ۱۹)  
«کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند، نزد پروردگارشان مقام صدیقان و گواهان را دارند؛ پاداش و نورشان محفوظ است؛ و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، آنان اهل دوزخند.»

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى \* وَآتَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى﴾ (نازعات:

«اما هر که سر به طغیان برداشته \* و زندگی دنیا را برگزیده است \* جایگاهش دوزخ است»

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ \* وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾ (انفطار: ۱۳ و ۱۴)  
«محققاً نیکوکاران در بهشت پرنعمتند \* و بزه‌کاران در دوزخ»

#### ۳-۴. عملیات بینامتنی:

شاعر، با توجه به مفهوم و مضمون آیات مورد اشاره، در بیت ۶۲ رائیه خویش این چنین بیان می‌دارد که یزید بن معاویه (علیهما اللعنة)، به سبب کفر و تکذیب آیات الهی و طغیانش در برابر خداوند، در روز رستاخیز به کیفر و سزای اعمال ناپاکش خواهد رسید و از بهشت و نعمت‌های آن بی‌نصیب خواهد شد و در دوزخ جای خواهد گرفت. چنان که گفته شد، شاعر متن پنهان را در متن حاضر پذیرفته و به صورتی به کار برده که جوهره آن تغییر نکرده است و از مفاهیم و مضامین مذکور در آیات فوق، در حکم مهر تأییدی بر سخن خود، به خوبی بهره برده است؛ بنابراین رابطه بین متن غایب و متن حاضر، از نوع نفی متوازی یا امتصاص است.

#### ۵. بیت ۶۳

##### ۱-۵. متن حاضر (رائیه):

يَشْدُو لَهُ الشَّادِي فَيُطْرِبُهُ الْغَنَا وَ يُكْسِبُ فِي الْكَأْسِ التُّنَّارِ لَهُ خَمْرٌ  
«[و بهیاد آور آن روزگاران را] که خواننده و آوازه‌خوان، با آواز و سروده‌هایش او را شادمان می‌کند و به وجود می‌آورد و در جام‌هایی از طلا و نقره برایش شراب ریخته می‌شود (منظور در روز قیامت است و از باب تمسخر بیان شده است).»

##### ۲-۵. متن غایب (قرآن کریم):

﴿فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ \* عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ \* يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ \* ...﴾ \* قَالَ

هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ \* فَأَطَّلَعَ فَرَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿ (صافات: ۴۳-۴۵ و ۵۴-۵۵)  
 «در باغ‌های پر نعمت بهشت \* بر تخت‌هایی رویاروی هم \* قدحی از شراب جاری  
 بر آنان گردانده می‌شود \* ..... \* گفت: آیا توجه دارید [که کجاست]؟ \* آن‌گاه متوجه  
 می‌شود و او را در میان دوزخ می‌بیند.»

﴿يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ \* بِأَكْوَابٍ وَأُبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ \* ..... \* ثُمَّ  
 أَنْكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ \* لَا كِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ \* ..... \* هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ  
 الدِّينِ ﴿ (واقعه: ۱۷ و ۱۸ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۶)

«نوجوانانی همواره شاداب گرد آن‌ها [به خدمت] می‌گردند \* با جام‌ها و تنگ‌ها و  
 قدح‌هایی از شراب جاری \* ..... \* آن‌گاه شما، ای گمراهان تکذیب‌کننده \* از  
 درخت زقوم خواهید خورد \* ..... \* این پذیرائی آن‌هاست در روز جزا.»

### ۳-۵. عملیات بینامتنی:

شاعر در این بیت از متن حاضر، حالت و وضعیتی یزید (لعنة الله عليه) را در روز  
 قیامت، از باب تمسخر و طعنه، این‌گونه بیان می‌کند که آوازه‌خوان با نوایش و  
 خدمت‌گزار با جام‌های شرابش او را به وجد می‌آورند و در این معنا و مضمون اشاره  
 می‌کند به آیات ۴۳ تا ۴۵ و ۵۴ و ۵۵ و سوره صافات و ۱۷ و ۱۸ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۶ سوره  
 واقعه؛ در این آیات در وصف بهشت و بهشتیان این عبارات آمده است: و دوزخیان و  
 جهنمیان، ضمن بی‌ بهره بودن از این نعمت‌ها، به عذاب‌هایی دردناک و مهلک  
 مبتلایند. شاعر، کاملاً عالمانه و عامدانه، تفاوت و تخالف متن حاضر با متن غایب را  
 مدنظر داشته است؛ بنابراین رابطه این بیت (متن حاضر) با قرآن (متن غایب) از نوع  
 حواری یا نفی کلی است. این نوع از روابط، بالاترین درجه بینامتنی به شمار می‌آید که  
 ابن عرندس از آن به زیبایی بهره برده است.



## ۶. بیت ۹۱

## ۶-۱. متن حاضر (راثیه):

وَهُمْ سِرُّ مُوسَى وَ الْعَصَا عِنْدَمَا  
 «آنان [اهل بیت علیهم السلام] راز و سرّ حضرت موسی (علیه السلام) و عصای او بودند. آن گاه که فرعون اوامر موسی [علیه السلام] را گردن ننهاده و نافرمانی کرد و سحر و جادوی ساحران بلعیده و خنثی شد.»

## ۶-۲. متن غایب (قرآن کریم):

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ \* فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (اعراف: ۱۱۷ و ۱۱۸)

«[آن گاه] به موسی الهام کردیم که چوبدست خود را بیفکن؛ ناگاه [ازدهایی شد و] ساخته‌های دروغین آن‌ها را بلعید \* آن گاه حق نمایان گشت و همه تلاش آن‌ها نقش بر آب شد.»

﴿قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ \* فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِمُونَ \* فَأَلْفَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ \* فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ \* قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (شعراء: ۴۳-۴۷)

«موسی به جادوگران گفت: هر هنری دارید عرضه کنید \* ریسمان‌ها و چوب‌های خود را انداختند و گفتند: قسم به عزت فرعون که ما پیروزیم \* موسی نیز چوبدست خود را انداخت، ناگهان [ازدهایی شد و] ساخته‌های دروغین آن‌ها را بلعید \* جادوگران [بی اختیار] به سجده درافتادند \* گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم»

## ۶-۳. عملیات بینامتنی:

این بیت از راثیه ابن عربدس برگرفته از داستان حضرت موسی (علیه السلام) در برخورد با فرعون و سحر ساحران است که در آیات ۱۱۷ و ۱۱۸ سوره اعراف و ۴۳ و ۴۷ سوره

شعرا به آن اشاره شده است. شاعر در اینجا اعلام می‌دارد: آنچه باعث شد حقیقت حضرت موسی (علیه السلام) بر فرعون و سحرِ باطلِ ساحران تفوق و برتری یابد، وجود ائمه اطهار (علیهم السلام) و تمسک و توسل به آنها بوده است. این بزرگواران آیت عظمای الهی‌اند که توسط آنها حق پابرجا و باطل رسوا و ریشه‌کن می‌شود. تناصّ مذکور از نوع نفی متوازی یا امتصاص است که شاعر در آن متن غایب را به‌طور مستقیم و در همان مضمون و مفهوم به‌کار برده است و معنا و مفهوم آیات قرآنی را به‌طور کامل در متن خود آورده و نوعی تعامل آگاهانه با متن برقرار کرده است.

## ۷. بیت ۹۲

### ۷-۱. متن حاضر (راثیه):

وَ لَوْ لَا هُمْ مَا كَانَ عِيسَىٰ بَنُ مَرْيَمَ  
لِعَازِرٍ مِّنْ طَيِّبِ اللُّحُودِ لَهُ نَشْرٌ  
«اگر ایشان [اهل بیت علیهم السلام] نبودند، عیسی بن مریم [علیه السلام] نمی‌توانست «عازر» را پس از آنکه مرده بود، از میان گور برانگیزد.»

### ۷-۲. متن غایب (قرآن کریم):

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخَيِّبُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۴۹)

«و [عیسی را] پیامبری برای دودمان یعقوب [انتخاب کند با این دعوی] که برای شما نشانه‌ای از جانب پروردگارتان آورده‌ام، از گل برای شما مجسمه پرنده‌ای می‌سازم و در آن می‌دمم و به اذن خداوند پرنده‌ای [جاندار] خواهد شد و نابینای مادرزاد و بیمار مبتلا به لکه‌های پوستی را بهبود می‌بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم و از آنچه در خانه‌های خود می‌خورید و ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم؛ به‌راستی

در این [امور] نشانه‌ای است برای شما، اگر باور داشته باشید.»

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأُذُنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأُذُنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِأُذُنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِأُذُنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ (مائده: ۱۱۰)

« [به‌یاد آر] آن‌گاه را که خدا گفت: ای عیسی فرزند مریم، نعمت مرا بر خود و مادرت به‌یاد آر، آن زمان که تو را توسط جبرئیل نیرومند کردم، با مردم در گهواره به فرزاندگی [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] گفتم؛ و آن‌گاه که تو را کتاب و تورات و انجیل آموختم، و زمانی که به اذن من مجسمه پرنده‌ای از گِل می‌ساختی و در آن می‌دمیدی که پرنده‌ای [جاندار] می‌شد و نابینای مادرزاد و بیمار مبتلا به لکه‌های پوستی را به اذن من بهبود می‌بخشیدی و آن‌گاه که مردگان را [زنده از گور] خارج می‌کردی و آزار دودمان یعقوب را آن‌گاه که نشانه‌های روشن برای آنان آوردی از تو بازداشتیم، و از گروهی که کفر می‌ورزیدند، گفتند: این جز جادویی آشکار نیست.»

### ۷-۳. عملیات بینامتنی:

ابن عربدس، در بیت ۹۲ از راثیه خود، به یکی از آیات و معجزاتی اشاره کرده که خداوند به حضرت عیسی (علیه السلام) عطا کرده بود؛ اینکه آن حضرت به اذن خدا مردگان را حیاتی دوباره می‌بخشیده است. وی سخن خود را از آیات ۴۹ سوره آل عمران و ۱۱۰ سوره مائده برداشت کرده است. در این آیات، از واژه «خلق» استفاده شده و خلق، جمع کردن اجزای یک شیء است و همچنین نسبتِ خلق را به غیر خدا داده است، در عبارت «أُحْيِ الْمَوْتَى» نیز، احیا را تعلق به اموری که جمع است داده؛ معلوم می‌شود این معجزه به اذن خداوند مکرر انجام شده است (طباطبائی،

۳/۱۳۶۳: ۳۵۱-۳۵۲؛ همان / ۶: ۳۴۸). در اینجا، شاعر به یک نمونه از احیای اموات توسط حضرت مسیح (علیه السلام) اشاره دارد و آن هم «عازر» یا «عاذر»، مردی که می‌گویند بی‌ایمان مرده بود و حضرت او را بعد از چهل روز زنده کرد و ایمان آورد (عمید، ۳/۱۳۷۵: ۱۶۹) و نتیجه آنکه ابن عرندس تمامی این آیات و معجزات حضرت مسیح (علیه السلام) به‌ویژه احیای اموات را به‌واسطه اهل بیت (علیهم السلام) می‌داند و مضمون آیات را به‌زیبایی و هنرمندی در کلام خود به‌کار گرفته و از آن در راستای مقصود خود بهره گرفته است که این همان تناسّ متوازی یا امتصاص است.

## ۸. بیت ۹۹

### ۱-۸. متن حاضر (راثیه):

وَ كَيْفَ يُجِيطُ الْوَاصِفُونَ بِمَدْحِكُمْ  
و فِي مَدْحِ آيَاتِ الْكِتَابِ لَكُمْ ذِكْرٌ  
«چگونه ستایشگران احاطه بر مدح شما [اهل بیت علیهم السلام] پیدا کنند،  
درحالی که آیات قرآن از مدح و ثنای شما یاد می‌کنند»

### ۲-۸. متن غایب (قرآن کریم):

آیات قرآنی‌ای که شأن نزول و یا تأویل آن‌ها درخصوص اهل بیت (علیهم السلام) و مدح و منقبت این بزرگواران باشد فراوان است و از حجم این نوشتار و پژوهش خارج؛ چراکه شایسته و سزااست در این بخش، به تمامی آیات قرآن به‌عنوان متن غایب اشاره شود. شاعر چه زیبا و به‌جا سروده است:

قرآن به جز از وصف علی [ع] آیه ندارد  
ایمان به جز از حبّ علی [ع] پایه  
برای نمونه به این آیات می‌توان اشاره نمود:

آیه لیلۃ المبیّت (بقره: ۲۰۷)؛ آیه مباهله (آل عمران: ۶۱)؛ آیه اطاعت (نساء: ۵۹)؛ آیه اکمال (مائده: ۳)؛ آیه ولایت (مائده: ۵۵)؛ آیه تبلیغ (مائده: ۶۷)؛ آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)؛ آیه نجوی (مجادله: ۱۲)؛ آیه صالح المومنین (تحریم: ۴)؛ آیه خیر

البریّه (بینه: ۷).

### ۳-۸. عملیات بینامتنی:

آوردن آیات قرآن و شرح و تفسیر و تأویل و تطبیق آن‌ها با وجود مقدس ائمه اطهار و اهل بیت (علیهم السلام) هرآینه برتر از آن است که به‌شمار درآید و آن کسی که بخواهد دلایل مزبور را به شماره درآورد، به‌مانند کسی است که بخواهد اشعه خورشید را به چنگ آورد (امینی، ۱۳۶۳ / ۶: ی). در این قسمت سعی‌ام بر این نبوده و به ذهنم هم خطور نکرده که بتوانم تمامی آیاتی را بیاورم که پیرامون فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و ابعاد شخصیتی آن بزرگواران است، آن‌گونه که حق مطلب ادا شود. این اقیانوس را غواصی درخور باید و غیراز معصوم هم کسی را یارای آن نباشد.

صد چو دعبل صد هزاران چون کمیت / جملگی عاجز ز وصف اهل بیت [ع]  
 اما از طرفی برای تبرک و تیمّن و به مصداق «مَا لَا يَدْرِكُ كُلُّهُ لَا يَنْزِكُ كُلُّهُ» و «آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید»، و

به‌جهت رعایت میزان حجم این نوشتار، به چند کتاب و مقاله اشاره می‌کنیم از هزاران کتاب و مقاله‌ای که پیرامون مناقب و فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن - و براساس آیاتی که شأن نزول و یا تأویل آن‌ها به این بزرگواران اختصاص یافته - به رشته تحریر درآمده است:

- کتاب تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العتره الطاهرة، به قلم سید شرف الدین علی الحسینی الأسترآبادی

- کتاب أهل البيت في الكتاب و السنّه، به قلم آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری

- کتاب بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن به روش قرآن به قرآن، به قلم دکتر ولی‌الله تقی‌پور

- کتاب مناقب أهل البيت (عليه السلام) از دیدگاه اهل سنت، به قلم استاد سیّد محمّد طاهر هاشمی شافعی

- کتاب پرتوی از فضائل أمير المؤمنين علي (عليه السلام)، به قلم سیّد ابوالحسن مطلبی

- در کتاب کتابنامه حضرت مهدی (عليه السلام)، به قلم استاد علی اکبر مهدی پور، ۲۳ کتاب معرفی کامل شده که فقط آیاتی از قرآن ذکر شده که به وجود نازنین حضرت حجّت (عليه السلام) اشاره دارند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

- مقاله «علی امیرالمؤمنین (عليه السلام) فی تفاسیر علماء اهل السنّة»، به قلم استاد دکتر محمّد ابراهیم خلیفه شوشتری

در انتها، به عنوان حسن ختام، این دو بیت را یادآور می‌شوم که احساس درونی ام به وجود مقدس اهل بیت (علیهم السلام) به‌ویژه حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (عليه السلام) است:

أهواك حتى في حشاشة مهجتي      ناز تشب علي هواك و تلذع  
لأستنفذن العمر في مدحتي له      وإن لآمني فيه العذول فأكثر

«به تو عشق می‌ورزم، آن سان که در درون من از محبت تو آتشی است که جانم را می‌سوزاند در سراسر عمر مدح [تو] او را خواهم گفت هرچند ملامتگران ملامتم کنند.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۴: ۱۲۶ و ۵۴، قصیده ششم، بیت ۵۸ و قصیده دوم، بیت ۴۴)

### نتیجه‌گیری

تأثیرپذیری ادیبان و شاعران از کلام وحی در خلق آثار ادبی‌شان، از هنگامه نزول قرآن تا به حال، بر احدی پوشیده نیست و اهل ادب از این مائده آسمانی به فراخور ذوق ادبی و اندیشه مذهبی خود بهره‌ها گرفته‌اند؛ به‌ویژه شاعران متعهد شیعی که در

طول زمان بیشترین تعامل را با کلام الهی داشته‌اند. در این پژوهش، پس از بررسی و تحلیل بینامتنی قرآنی در رائیه ابن عرندس، این نتایج به دست آمد:

فراوانی و تعدد تعامل این شاهکار ادبی و دینی با قرآن کریم از ویژگی‌های برجسته و حائز اهمیت این شاعر اهل بیت (علیهما السلام) به شمار می‌رود و نشان می‌دهد وی از آیات و مضامین و مفاهیم قرآنی عامدانه و عالمانه استفاده کرده تا بتواند اعتقادات و باروهای خود را پیرامون فضائل و مناقب و مظلومیت اهل بیت (علیهما السلام) بهتر و دقیق‌تر، مستدل‌تر و مستحکم‌تر و عمیق‌تر و مؤثرتر بیان کند و بر جان و روح مخاطبان بنشانند. بهره‌گیری شاعر از آیات قرآن در این قصیده به صورت‌های گوناگون بوده و در این پژوهش، اثرپذیری یا بینامتنیت مضمونی (مضمون و مفهوم آیات قرآن) بررسی و تحلیل شده است.

بیشترین تعامل و کارکرد آیات در رائیه شهیر ابن عرندس، در حوزه مضامین صورت گرفته و بررسی روابط بینامتنی مضمونی در این پژوهش حاکی از آن است که عملیات بینامتنی از نوع تناص مستقیم و آشکار و روابط میان آن بیشتر از نوع نفی متوازی یا امتصاص (نش مورد) و در اندک مواردی هم نفی کلی یا حوار (دو مورد) است. شاعر، با اندک تغییری در متن حاضر، با آیات قرآن در تعامل بوده و در این تعامل معمولاً مضامین و مفاهیم با متن غایب (قرآن) موافق و هماهنگ است. بررسی روابط بینامتنی بین ابیات این شاعر و ادیب برجسته - و متأسفانه گمنام - با قرآن، پیوند عمیق شاعران شیعه به‌ویژه ابن عرندس را با قرآن کریم هرچه بیشتر آشکار می‌کند.

### پی‌نوشت

۱. اقتصاص: یکی از اسلوب‌های بدیعی قرآن و نشانگر مناسبات متنی میان آیات قرآن است و بدین معنی است که سخنی در سوره‌ای از سخن دیگری در همان سوره یا سوره دیگر بریده شده باشد (سیوطی، ۱۳۷۶، ۲۸۱: ۲؛ انصاری، ۱۳۹۴: ۳۳۹)

۲. عرندس از مادّه «عرندس» است و معنای آن در کتب لغت این چنین آمده:

العَرْنَدَسُ: الأَسَدُ الشَّدِيدُ؛ السَّيْلُ الكَثِيرُ (على التَّشْبِيهِ بالجمل العظيم) و مِمَّا يُسْتَدْرَكُ عَلَيْهِ: نَاقَةُ عَرْنَدَسُهُ: أَي قَوِيَّةٌ طَوِيلَةٌ الْقَامَةُ (ابن منظور، ۱۴۱۴، مادة عرندس؛ الحسيني الزبيدي، ۱۳۹۶، مادة عرندس).

۳. رولان بارت (Roland barthes) (۱۹۱۵-۱۹۸۰) نویسنده، فیلسوف و نظریه‌پرداز ادبی، منتقد فرهنگی و نشانه‌شناس معروف فرانسوی بود. ایده‌های اصلی وی نظریه «مرگ مؤلف» و «درجه صفر نوشتار» بود. وی استاد کرسی نشانه‌شناسی کلژ دو فرانس بود و بنیانگذار نقد نو شناخته می‌شود (www.anthropology.ir., www.Jamejamonline.ir)

۴. ژولیا کریستوا (Juliya Kristeva) متولد ۱۹۴۱ در بلغارستان؛ وی در مدرسه راهبان دومینکن به زبان فرانسه درس خواند و در سال ۱۹۶۵، پس از اخذ مدرک دکترا در ادبیات، با بورس تحصیلی دانشجویان ممتاز به فرانسه رفت (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۱). نام وی در بیشتر متون با خوانش فرانسوی ژولیا شناخته شده و در برخی نیز با خوانش انگلیسی - آمریکایی جولیا آمده است. اما خوانش اصلی آن در اروپای شرقی یولیا کریستوا است.

۶ و ۵. صبری حافظ به جای متن حاضر، تعبیر «النصّ الحال» و برای متن غایب، تعبیر «النصّ المزاح» (متن از بین رفته) را به کار می‌برد (نعمتی قزوینی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

## منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی‌الحدید معتزلی، (۱۳۷۴ هـ. ش)، علویات سبع، مترجم: مرحوم عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، تهران: نشر بشارت.
- ابن عرندس، صالح بن عبدالوهاب، (۱۳۹۱ هـ. ش)، دمعة العینین فی رثاء الحسین علیه السلام، مترجم: محمد عظیمی، مشهد: انتشارات حواریون.
- ابن قولویه القمی، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی، (۱۳۷۷ هـ. ش)، کامل الزیارات، مترجم: محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران: انتشارات پیام حق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ هـ. ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- الأمين، العلامة السید محسن، (۱۴۰۳ هـ. ق)، أعیان الشیعة، ۱۰ جلد، بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
- امین فروغی، مهدی، (۱۳۹۴ هـ. ش)، فیض روح القدس، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



- الأُمینی النَّجفی، العلامه الشَّيخ عبدالحسين، (١٣٨٣ هـ.ش)، الغدير في الكتاب والسنة والأدب، تهران: دارالكتب الإسلاميه.
- اميني نجفی، علامه شيخ عبدالحسين، (١٣٦٣ هـ.ش)، الغدير في الكتاب و السنة والأدب، مترجم: محمّدتقی واحدی و دیگران، چاپ دوم، ٢٠ جلد، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامي.
- انصاری، محمّدباقر و دیگران، (١٣٩٤ هـ.ش)، فرهنگ نامه علوم قرآنی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
- بحرانی، سيدهاشم، (١٣٧٨ هـ.ش)، علی و السنة يا سيمای علی (ع) به روايت اهل سنت، مترجم: محمّد اميني، تحقيق: نجم الدين شريف عسگری، تعليقات: سيّد حسن افتخارزاده، تهران: نشر مهام.
- بروجردي، سيد ابراهيم، (١٣٨٠ هـ.ق)، تفسير جامع، مشهد: نشر جميل.
- بروئل پيرو و دیگران، (١٣٧٨ هـ.ش)، تاريخ ادبيات فرانسه، مترجم: نسرین خطّاط و مهوش قويمی، تهران: انتشارات سمت.
- ثعلبي، احمد بن محمّد، (١٤٢٢ هـ.ق)، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، ط ١، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- الحسيني الأسترابادي، السيد شرف الدين علی، (١٤٠٧ هـ.ق)، تاويل الآيات الظاهره في فضائل العتره الطاهره، ٢ جزء، قم: مدرسه الأمام المهدي (عج).
- الحسيني الزبيدي، السيد محمّد مرتضى، (١٣٩٦ هـ.ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق محمود محمّد الطّناحي، راجعه مصطفى حجازي و عبدالستار احمد فراج بإشراف لجنة فنيّة بوزاره الإعلام، كويت: التراث العربي.
- خليفه شوشتری، محمّد ابراهيم، (١٣٧٩ هـ.ش)، «علی اميرالمؤمنين (عليه السلام) في تفاسير علماء اهل السنة»، فرهنگ (ويژه بزرگداشت سال امام علی (عليه السلام))، شماره ٣٣-٣٦، بهار، صص ٤٥٣-٤٥٧.
- رسولي، حجّت، ظهيري، محمّد و زرگانی، مصطفى، (١٣٩١ هـ.ق)، «التناص القرآنی في شعر حسان بن ثابت الأنصاري»، دراسات في نقد الأدب العربي، الرّقم ٥ (٦٣/٦)، صص ٢٧-٤٤.
- زارع، آفرين و طوبائی، طاهره، (١٣٩١ هـ.ش)، «تحليل سيميائي لرائيۀ ابن العرندس و مقارنتها مع أشعار معاصريه»، مجلة اللغة العربية و آدابها، دانشگاه تهران، دوره ٨، شماره ١٤، صص ٥-٢٦.

- سجودی، فرزانه (۱۳۸۳ ه. ش)، نشانه‌شناسی کاربردی، چاپ دوم، تهران: نشر قصه.
- سیفی، طیبه، (۱۳۹۰ ه. ش)، «بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم، صص ۷۱-۷۹.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۳۶۵ ه. ق)، الدر المنثور، ط ۱، بیروت: دارالمعرفه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۷۶ ه. ش)، الإقتان فی علوم القرآن، مترجم: مهدی حائری قزوینی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- شبر، جواد (۱۴۲۲ ه. ق)، أدب الطّف أو شعراء الحسین علیه السلام، بیروت: مؤسسه التّاریخ.
- صدر حاج سید جواد، احمد و دیگران (۱۳۷۲ ه. ش)، دائرةالمعارف تشیّع، تهران: مؤسسه دائرةالمعارف تشیّع.
- صدوق، ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین بن بابویه القمی (۱۳۸۰ ه. ش)، کمال الدّین و تمام النّعة، مترجم: منصور پهلوان، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- صدوق، ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین بن بابویه القمی (۱۳۸۲ ه. ش)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ اول، قم: ارمان طوبی.
- صدوق، ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین بن بابویه القمی (۱۳۹۳ ه. ش)، مقتل امام حسین علیه السلام در امالی شیخ صدوق، مترجم: محمد حسین خورشیدی، قم: انتشارات طوبای محبت.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۳ ه. ش)، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی و دیگران، ۲۰ جلد، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی و انتشارات امیرکبیر.
- الطّریحی التّجفی، الشّیخ فخرالدّین (۱۴۲۶ ه. ق)، المنتخب فی جمع المراثی و الخطب المشتهر (الفخري)، التّجف الأشرف: المكتبة الحیدریّة.
- عبدالعاطی، کیوان (۱۹۹۸)، التّناسّ القرآنی فی شعر أمل دنقل، قاهرة: مكتبة التّهضة العربیة.
- عزام، محمّد، (۲۰۰۱)، تجلیات التّناسّ فی الشعر العربی، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- \_\_\_\_\_، (۲۰۰۵)، شعریّة الخطاب السّردی، ط ۱، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
- عمید، حسن، (۱۳۷۵ ه. ش)، فرهنگ عمید، ۳ جلد، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قمی، حاج شیخ عباس، (۱۳۷۳ ه. ش)، کلیات مفاتیح الجنان، مترجم: حجت الاسلام موسوی

- دامغانی، تهران: انتشارات پیام محراب.
- کریستوا، ژولیا، (۱۳۸۱ ه. ش.)، کلام، مکالمه، رمان، مترجم: پیام یزدانجو، تهران: نشر آگه.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۳۷۵ ه. ش.)، اصول کافی، مترجم: محمد باقر کمره‌ائی، قم: انتشارات اسوه.
- متقی هندی، (بی تا)، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹ ه. ش.)، أهل البيت (ع) فی القرآن والسنة، ۲ جلد، مترجم: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر، قم: ناشر دارالحديث.
- مختاری، قاسم، (۱۳۸۰ ه. ش.)، «سبک شعر شیعی و مقایسه آن با سبک شعری دیگر فرقه‌ها»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۶ و ۴۷، شماره ۱۵۸ و ۱۵۹.
- مختاری، قاسم و شانقی، غلام‌رضا، (۱۳۸۹ ه. ش.)، «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیدی»، فصلنامه لسان مبین، سال دوم، شماره دوم.
- مطلبی، سید ابوالحسن، (۱۳۸۲ ه. ش.)، پرتویی از فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قرآن، قم: بوستان کتاب قم.
- موسی، خلیل، (۲۰۰۰)، قرائات فی الشعرالعربی الحديث والمعاصر. دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
- مهدی پور، علی اکبر، (۱۳۷۵ ه. ش.)، کتابنامه حضرت مهدی (علیه السلام)، ۲ جلد، قم: مؤسسه چاپ الهادی.
- نقی پورفر، ولی الله، (۱۳۸۰ ه. ش.)، بررسی شخصیت اهل بیت (ع) در قرآن به روش قرآن به قرآن، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- نعمتی قزوینی، معصومه و محسنی، حمیده سادات، (۱۳۹۴ ه. ش.)، «روابط بینامتنی اشعار ابن زیدون با قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۰۳-۱۰۷.
- نعمتی، علیرضا، (۱۳۸۱ ه. ش.)، ماهنامه خورشید مگه، سال اول، شماره ۳، فروردین و اردیبهشت، صص ۴۳ و ۴۴.
- نیازی، شهریار و نیازی، عبدالوحید، (۱۳۹۳ ه. ش.)، «بررسی فضای موسیقایی قصیده ابن عربندس در رثای امام حسین علیه السلام»، دوفصلنامه ادبیات شیعه، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۹۵-۲۱۸.

- وعدالله، لیدیا، (۲۰۰۵)، التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره، ط ۱، بی‌جا: دارالمنذلاوی.
- هاشمی شافعی، سید محمدطاهر، (۱۴۱۲ ه.ق)، مناقب أهل البيت (عليهم السلام) از دیدگاه اهل سنت، مشهد: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی.
- یعقوبی، الشیخ محمدعلی، (۱۹۵۱)، البابلیات، ۴ جلد، ۲ مجلد، قم: دارالبیان.

### پایگاه‌های اینترنتی

[www.anthropology.ir](http://www.anthropology.ir)  
[www.Jamejamonline.ir](http://www.Jamejamonline.ir)  
[www.mjgom.ir](http://www.mjgom.ir)